

همکاریهای هسته‌ای غیرنظامی هند و آمریکا: علل و پیامدها

نویسنده: دکتر نوذر شفیعی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۸۵/۲/۱۰

تاریخ تأیید مقاله: ۸۵/۵/۱۵

صفحات مقاله: ۳۳-۷

چکیده

در این مقاله، همکاری هسته‌ای غیرنظامی هند و آمریکا به عنوان یک نقطه عطف در روابط دو کشور قلمداد شده به گونه‌ای که در پرتو آن، رابطه دو کشور پس از نیم قرن وارد فصل تازه‌ای شده است. نگارنده ضمن ترمیم تحولانی که در ماهیت سیاست خارجی هند طی سالهای اخیر حادث شده، آن را مبتنی بر تقای روابط دهلی-نور-واشنگتن برشمرده و معتقد است همکاریهای هسته‌ای هند و آمریکا به رغم محدودیتها و مشکلاتی که پیش روی آن وجود دارد، در نهایت تحقق می‌یابد. در خلال این نوشتار، نگارنده سعی کرده است منافع این همکاریها را برای هند و آمریکا تبیین کند و دیدگاه مخالفان و موافقان این همکاری را منعکس نماید. از آنجا که تحقق این همکاریها منوط به تأیید و تصویب کنگره آمریکا است، به فعالیت لابی‌هایی که بر کنگره اعمال فشار می‌کنند نیز توجه خاصی مبذول شده است.

* * * * *

کلید واژگان

هند و آمریکا، همکاریهای هسته‌ای غیرنظامی، جنوب آسیا، سیاست خارجی هند،

توافقنامه هسته‌ای هند و آمریکا

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه ادرنهان.

مقدمه

در هیجدهم جولای ۲۰۰۳، هند و آمریکا توافقنامه‌ای به امضا رساندند که دو کشور را به همکاریهای استراتژیک سوق می‌داد. اگرچه کلیه مفاد این توافقنامه از اهمیت بالایی برخوردار بود ولی آن بخش از توافقنامه که هند و آمریکا را به سوی همکاری هسته‌ای صلح‌آمیز هدایت می‌کرد، اهمیت استراتژیک داشت. در واقع این توافقنامه، رابطه هند و آمریکا را پس از نیم قرن تیرگی، به حد استراتژیک ارتقا می‌دهد و روابط دو کشور را وارد فصل تازه‌ای از همکاریهای استراتژیک می‌نماید. اما ورود آنی به این سطح از رابطه (هرچند روابط هند و آمریکا از دهه ۱۹۹۰ رو به توسعه گذاشت)، بدون دردهای فنی و سیاسی نبوده است. دو کشور در خصوص همکاریهای هسته‌ای صلح‌آمیز با فشار مخالفانی از درون و برون مواجه‌اند، این مسئله فشارهای دیپلماتیک گسترده‌ای را بر آنها وارد کرده است. به نظر می‌رسد چون اراده طرفین بر توسعه مناسبات استراتژیک قرار گرفته است به احتمال زیاد آنها موانع موجود را به‌رغم تمام سختی‌های پشت‌سر خواهند گذاشت. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که همکاریهای هسته‌ای صلح‌آمیز هند و آمریکا بر چه بنیادهایی استوار است؟ این همکاری در مسیر خود با چه موانعی مواجه است؟ و آیا دو کشور قادر خواهند بود مسائل و مشکلات را برطرف نمایند؟

بخشی از پاسخ به این سؤالات در دگرگونی‌های سیاست خارجی هند از آرمانگرایی به واقع‌گرایی نهفته است. بخشی دیگر به دگرگونی‌های سیاست خارجی آمریکا در جنوب آسیا مربوط می‌شود که به موجب آن، جایگاه هند و پاکستان در سیاست خارجی آمریکا عوض می‌شود. بالاخره بخشی نیز ناشی از واقعیت‌های استراتژیک در سطح منطقه و جهان است که سیاست خارجی هند و آمریکا را به هم پیوند می‌زند.

هدف اصلی این مقاله، ترسیم شرایطی است که هند و آمریکا را به سوی همکاری هسته‌ای غیرنظامی رهنمون ساخته است. از آنجا که مسئله هسته‌ای هند

و آمریکا به‌رغم اهمیت فوق‌العاده آن، در ایران کمتر مورد توجه محافل علمی و حتی دست‌اندرکاران سیاست خارجی قرار گرفته است، تحریر این مطلب ضرورتی مضاعف می‌یابد. با خواندن این مطلب، احتمالاً بخشی از پاسخ به این سؤال که چرا هند در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران رأی مثبت داد و چرا هند در اجرای پروژه خط لوله گاز ایران به جنوب آسیا، تعلل می‌ورزد، روشن خواهد شد.

تحول و دگرگونی در سیاست خارجی هند

بدون تردید بخشی از همکاری هسته‌ای آمریکا و هند محصول دگرگونی‌هایی است که در سیاست خارجی هند حادث شده است. پس از استقلال هند در سال ۱۹۴۷ تاکنون، سه جریان فکری بر سیاست خارجی هند حاکم بوده است. این سه جریان عبارتند از: (صدقی، ۱۳۸۳)

۱- نهروئیسم

نهروئیسم یا نهروگرایی که از سال ۱۹۷۴ تا اواخر دهه ۱۹۸۰ رویکرد غالب در سیاست خارجی هند بود، بدین شکل تجلی یافته است: عدم اتحاد هند با قدرتهای بزرگ، ائتلاف با کشورهای جهان سوم در مقابل قدرتهای بزرگ، میانجیگری بین قدرتهای بزرگ، حمایت از نهادهای بین‌المللی و حقوق بین‌الملل و تلاش برای رفع تبعیض و سوءاستفاده از این نهادها و موازین، موضع‌گیری در مورد مسائل بین‌المللی بر اساس منافع ملی هند. نتیجه حاکمیت این مفروضات بر سیاست خارجی هند عبارت از اتخاذ "سیاست عدم تعهد" در سیاست خارجی بود. تا زمانی که حزب کنگره بر اساس سنت نهرو بر هند حکومت می‌کرد، سیاست عدم تعهد به عنوان رویکرد اصلی در سیاست خارجی هند مبنا قرار می‌گرفت.

۲- نولیبرالیسم

نولیبرالها یک طیف فکری گسترده در سیاست خارجی هند می‌باشند که حامیان

آن را می‌توان در میان احزاب و جریان‌های سیاسی مختلف در این کشور پیدا کرد. بنابراین از دهه ۱۹۷۰ به بعد همواره رگه‌هایی از این رویکرد در سیاست خارجی هند وجود داشته است. پس از سال ۱۹۹۰ که اصلاحات اقتصادی در هند شروع شد، مبنای مهمی برای تأثیرگذاری این رویکرد محسوب می‌گردد.

نولیبرالها معتقدند افزایش نرخ رشد اقتصادی هند در تبدیل این کشور به یک قدرت بزرگ نقش کلیدی دارد. آنها بر این باورند که اتخاذ سیاست بازار آزاد در داخل و گشودن درهای اقتصادی بر جهان خارجی، باید بخشی از دستورکار اصلی سیاستمداران هند باشد. آنها همچنین اعتقاد دارند که پیوند اقتصادی با جهان خارج، می‌تواند از تهدیدهای هند بکاهد و حتی این تهدیدها را تبدیل به فرصت کند.

نولیبرالها بر حل اختلاف سیاسی، حقوقی و امنیتی با همسایگان از طریق همگرایی اقتصادی تأکید می‌ورزند. آنها اعتقاد دارند جهان به سمت وابستگی متقابل فزاینده و جهانی شدن در حرکت است و هند نباید از این قافله عقب بماند. نتیجه حاکمیت این مفروضات بر سیاست خارجی هند عبارت بود از افول حاکمیت سوسیالیسم در اقتصاد هند و حرکت این کشور به سوی اتحاد و ائتلاف با قدرتهای بزرگ. از نظر نولیبرالها در شرایط نوین جهانی اتخاذ سیاست عدم تعهد امری بی‌فایده و در پیش گرفتن سیاست خارجی مستقل نیز امری غیرمنطقی است. به اعتقاد آنها سیاست عدم تعهد مربوط به دوره جنگ سرد است و سیاست خارجی مستقل نیز قاعدتاً توسط کشورهای اعمال می‌شود که توان پیشبرد یک سیاست را بر اساس منابع قدرت خود دارا باشند که در مورد هند چنین نیست.

۳- نورنالیسم

نورنالیسم در سیاست خارجی هند که عمدتاً در دیدگاه طیف افراطی حزب "بی‌جی‌پی" انعکاس می‌یابد، از دوره پس از جنگ سرد به رویکرد غالب در سیاست خارجی هند تبدیل شد. از دید نورنالیستها، قدرت حرف اول را در صحنه بین‌المللی می‌زند و قدرت نظامی نقش مهمی در تعیین جایگاه کشورها در عرصه

جهانی دارد و دهلی‌نو باید از هر ابزاری برای افزایش قدرت نظامی خود بهره گیرد. به موازات افزایش توان نظامی، هند باید پروژه سیاسی عضویت در شورای امنیت را پیش ببرد. از دید نورنالیستها، نهادها، معاهدات و حقوق بین‌الملل تا زمانی برای هند اهمیت دارند که مانع از تبدیل هند به یک قدرت بزرگ نشوند. به اعتقاد آنها هند می‌تواند بر اساس واقعیت‌های استراتژیک با قدرتهای بزرگ وارد تعامل شود. این تعامل که در شکل انعقاد موافقتنامه‌های سیاسی، دفاعی و استراتژیک با قدرتهای بزرگ تجلی می‌یابد به هند امکان می‌دهد از تهدیدات بکاهد و بر فرصتها بیفزاید. در تحلیل نهایی و بر اساس دیدگاه نورنالیستها، سیاست خارجی هند باید سیال باشد و منافع ملی هند نورا فکن سیاست خارجی این کشور است. نتیجه حاکمیت این مفروضات بر سیاست خارجی هند عبارت است از اتخاذ یک رویکرد مستقل در سیاست خارجی این کشور.

همکاری هسته‌ای آمریکا و هند در پرتو دگرگونی‌های سیاست خارجی هند

واقعیت این است که رویکرد فعلی حاکم بر سیاست خارجی هند، ترکیبی از نگرشهای گوناگون را در خود جای داده است. سیاست عدم تعهد درست در زمان حاکمیت حزب کنگره به کم‌رنگی گرایید و فعالان این حزب حاضر شدند بسیاری از اصول نهرونیسم را به سود کسب منافع ملی زیر پا بگذارند. فعالان حزب کنگره اکنون راهی را ادامه می‌دهند که در دوران حاکمیت حزب "بی‌جی‌پی" پایه‌گذاری شده است. بدین معنی که رویکرد رابطه استراتژیک با آمریکا، اساساً یک رویکرد نورنالیستی است که حزب "بی‌جی‌پی" آن را در دوره نخست‌وزیری واجپایی در دستورکار قرار داد. اتخاذ این سیاست، درست چند سال پس از فروپاشی اتحاد شوروی اتفاق افتاد و این بدان معنی بود که فروپاشی نظام دوقطبی بر سیاست خارجی هند تأثیر عمیقی داشته است. (شفیعی، ۱۳۸۴، ۸)

تا آنجا که به مسائل هسته‌ای مربوط می‌شود، تفاوت زیادی بین جریانهای فکری مختلف در سیاست خارجی هند وجود ندارد. همه این ستهای فکری

تأسیسات هسته‌ای هند را یک عامل ضروری قدرت برای این کشور محسوب می‌کنند. از دید نهروگرایان، هند فقط در صورت یک خلع سلاح هسته‌ای جهانی، از سیاست هسته‌ای خود عدول می‌کند. از دید نولیرالها، هند می‌تواند به ازای یک معامله بزرگ، مثل به رسمیت شناخته شدن به عنوان عضوی از باشگاه هسته‌ای جهان، وارد رژیم‌های بین‌المللی منع تکثیر سلاحهای هسته‌ای شود. از نظر نورثالیستها، هند باید همچنان به افزایش توانایی هسته‌ای خود ادامه دهد و به رژیم‌های امنیتی بین‌المللی در خصوص مسائل هسته‌ای هم نپیوندد.

با این حال واقعیتهای استراتژیک دیگری نیز وجود دارد که بعضی از مواضع تند این سنت‌های فکری را تعدیل می‌کند. هند به سه دلیل عمده ناچار است درباره مسائل هسته‌ای خود وارد تعامل شود: پایان دادن به انزوای بین‌المللی خود که در اثر آزمایشهای هسته‌ای ایجاد شده است، دستیابی به تکنولوژی جدید هسته‌ای که لازمه ادامه حیات تأسیسات هسته‌ای هند است، نیاز روزافزون به انرژی به عنوان عاملی که چرخ اقتصاد هند را به گردش در می‌آورد.

این سه واقعیت باعث تغییر جدی در جهت‌گیری سیاست خارجی هند از آرمانگرایی به واقع‌گرایی شده است. شاخصهای این تغییرات در جهت‌گیری سیاست خارجی هند عبارتند از:

- قراردادان واقعیتهای ژئواستراتژیک به عنوان مبنای رفتار سیاست خارجی؛
 - تأمین منافع اقتصادی و امنیت ملی به عنوان دو بخش حیاتی منافع ملی هند؛
 - ارتباط نزدیک و تنگاتنگ با قدرتهای بزرگ؛
 - استفاده ابزاری از موقعیت قدرتهای متوسط و کوچک برای افزایش قدرت چانه‌زنی خود در عرصه بین‌المللی؛
 - تلاش برای حل اختلافات هند در سطح منطقه (با چین و پاکستان) و داخل با هدف ایجاد فرصت برای آزادی عمل در عرصه بین‌المللی. (شیمی، ۱۳۸۴، ۶)
- با توجه به این واقعیتهای، هم‌اکنون پنج هدف اصلی در رأس سیاست خارجی هند قرار دارد که عبارتند از: ارتقای توانایی نظامی هند با بهره‌گیری از تکنولوژی

مدرن غربی، عضویت در شورای امنیت سازمان ملل با هدف افزایش قدرت سیاسی هند در صحنه بین‌المللی، ارتقای جایگاه اقتصادی هند از طریق جلب سرمایه‌گذاری خارجی، رسمیت بخشیدن به قابلیت‌های هسته‌ای هند و وارد شدن به باشگاه هسته‌ای جهان، وارد ساختن هند به مدیریت امور جهانی و بین‌المللی. با توجه به این واقعیتها، هند اکنون تصمیم گرفته است با آمریکا وارد تعامل هسته‌ای شود و یا لااقل زمینه را به گونه‌ای فراهم ساخته است که آمریکا را ترغیب به تعامل هسته‌ای با هند کند.

توافقنامه همکاری هسته‌ای غیرنظامی هند و آمریکا

درباره توافقنامه هسته‌ای غیرنظامی هند و آمریکا سند قابل اتکایی به خارج درز نکرده است اما از محتوای اسناد و مدارکی که در این رابطه منتشر شده موارد زیر قابل توجه است:

- هندوستان می‌پذیرد برنامه‌ها و تأسیسات هسته‌ای نظامی و غیرنظامی‌اش را مشخص کرده و آنها را در یک برنامه مرحله‌بندی و زمانبندی شده، تفکیک نماید و بیانیه‌ای را در خصوص تأسیسات صلح‌آمیزش با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی صادر نماید.
- هند می‌پذیرد تصمیمی اتخاذ کند که تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیزش تحت تدابیر امنیتی سازمان بین‌المللی انرژی اتمی قرار گیرد و پروتکل‌های الحاقی در زمینه تأسیسات هسته‌ای را امضا نماید.
- هند می‌پذیرد به توقف یکجانبه آزمایشهای هسته‌ای‌اش ادامه دهد و در جهت قطع تولید ماده شکافت‌پذیر هسته‌ای تلاش کند.
- هند می‌پذیرد قانون کنترل همه‌جانبه صادرات هسته‌ای را بپذیرد و به رهنمودهای گروه عرضه‌کننده تکنولوژی هسته‌ای و نظام کنترل تکنولوژی موشکی عمل نماید.
- آمریکا می‌پذیرد تکنولوژی صلح‌آمیز هسته‌ای در اختیار هند فرار دهد و

با تشویق کشورهای گروه عرضه کننده تکنولوژی هسته‌ای به تأمین درازمدت و پایدار انرژی هسته‌ای هند مبادرت ورزد. اگرچه بعضی از این مفاد کاملاً صراحت دارد اما برداشت‌ها در هند و آمریکا نسبت به آن متفاوت است. این تفاوت برداشت‌ها، مسائل و مشکلات فنی و سیاسی را در خصوص اجرایی شدن آن در پی داشته است.

برداشت هند از همکاری هسته‌ای غیرنظامی با آمریکا

برداشت رایج در هند آن است که همکاری هسته‌ای غیرنظامی با آمریکا یک ضرورت استراتژیک است. در چارچوب این همکاری، دهلی نو پذیرفته است که فهرستی از راکتورهای هسته‌ای خود را ارائه دهد و در عین حال میان بخشهایی که کاربرد نظامی دارند و بخشهایی که کاربرد غیرنظامی دارند، تفکیک قائل شود. بر این اساس از دید دهلی نو چهارده راکتور هسته‌ای در فهرست غیرنظامی و هشت راکتور در حوزه نظامی قرار می‌گیرد.

بر اساس برداشت هندی‌ها، راکتورهای دارای قدرت باروری بالا (FBR) در فهرست راکتورهای غیرنظامی قرار نمی‌گیرند (واقعیت این است که این راکتورها دو منظوره‌اند)، همچنین تأمین آینده سوخت اورانیوم برای هند بر یک پایه ثابت تضمین می‌شود. همچنین هندی‌ها معتقدند این دهلی نو است که تصمیم خواهد گرفت که کدام یک از تأسیسات هسته‌ای‌اش در آینده در فهرست نظامی و کدامیک در فهرست غیرنظامی قرار می‌گیرد. (www.Report,1130)

از دید دهلی‌نو، آن دسته از تأسیساتی که در فهرست نظامی قرار می‌گیرند از تدابیر امنیتی بین‌المللی معاف خواهند بود. همچنین پروسه جداسازی تأسیسات هسته‌ای نظامی و غیرنظامی هند به صورت مرحله‌ای از سال ۲۰۰۶ تا سال ۲۰۱۴ اجرا خواهد شد. در عین حال مقامات هندی اعتقاد دارند که بحث همکاری هند با سازمان بین‌المللی انرژی اتمی و مسئله نظارت آژانس بر فعالیتهای هسته‌ای هند، موضوعی است که در آینده باید بین آمریکا و هند مورد بحث قرار گیرد. به

عبارت دیگر از نظر دهلی‌نو، بحث نظارت آژانس بر فعالیتهای هسته‌ای صلح‌آمیز هند موضوعی است که بسادگی قابل حل نیست و باید مذاکرات بیشتری درباره آن صورت گیرد.

از نظر دهلی‌نو، توافقنامه همکاری هسته‌ای هند و آمریکا باید به هند اجازه دهد که به ساخت تأسیسات هسته‌ای نظامی ادامه دهد و نه تأسیسات موجود و نه تأسیساتی که در آینده ساخته خواهد شد، هیچ‌یک تحت نظارت آژانس قرار نخواهد گرفت. به عبارت دیگر، از نظر دهلی‌نو همکاری هسته‌ای غیرنظامی هند و آمریکا نباید به برنامه‌های استراتژیک هند در زمینه هسته‌ای ضربه وارد کند. (www.Report,1131)

برداشت آمریکا از همکاری هسته‌ای غیرنظامی با هند

آمریکایی‌ها نیز به‌طور اصولی با همکاری هسته‌ای غیرنظامی با هند موافق هستند. با این حال آنها معتقدند که هرگونه همکاری هسته‌ای غیرنظامی با هند در درجه اول منوط به سه شرط اساسی است: اول اینکه هند بین تأسیسات هسته‌ای نظامی و غیرنظامی خود تفکیک منطقی و قابل اعتماد قائل شود. دوم اینکه هند نظارت بین‌المللی را بر تأسیسات هسته‌ای غیرنظامی‌اش بپذیرد. سوم اینکه هند به عضویت پیمان منع تکثیر سلاحهای هسته‌ای در آید و اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را محترم بشمارد.

آمریکایی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که در واقع، هند یک قدرت هسته‌ای است. برای برخورد با این قدرت هسته‌ای یا باید به شکل گذشته از در ناسازگاری وارد شد که نتیجه مطلوبی در پی ندارد، یا باید به‌طور سازنده به آن وارد شد که در این حالت، هم بازار هسته‌ای هند در اختیار امریکایی‌ها قرار می‌گیرد، هم مکانیسمهای کنترلی بهتری بر فعالیتهای هسته‌ای این کشور اعمال می‌گردد. (www.Report,1131)

بر اساس این برداشتها از مفاد توافقنامه همکاری هسته‌ای غیرنظامی هند و آمریکا، تصور می‌شود دوطرف منافی را از قبل آن، عاید خود می‌کنند:

الف) منافع آمریکا

آمریکایی‌ها در صورت تحقق توافقنامه هسته‌ای غیرنظامی دهلی‌نو و واشنگتن به منافع زیر دست می‌یابند: (www.Hari Suf,1740)

۱- منافع اقتصادی

هند تصمیم دارد طی ۱۵ سال آینده حدود ۱۰ نیروگاه برق هسته‌ای بسازد. دهلی‌نو مجبور است حداقل نیمی از تکنولوژی و تجهیزات این نیروگاهها را از آمریکا وارد کند (مابقی ممکن است توسط فرانسه، آلمان، انگلیس و کانادا تأمین شود). اگر قیمت هر نیروگاه را ۴ میلیارد دلار ارزش‌گذاری کنیم شرکت‌های آمریکایی می‌توانند طی ۶ تا ۸ سال حدود ۲۰ میلیارد دلار در آمد کسب نمایند.

بودجه‌ای که هند می‌تواند از طریق آن نیروگاههای هسته‌ای خود را بسازد یا به صورت سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم و یا به صورت وام‌های مقرون به صرفه و با بهره‌های کم خواهد بود. بانکها و سرمایه‌گذاران خارجی احتمالاً تمایل زیادی برای پرداخت این مبلغ خواهند داشت، زیرا اطمینان دارند دهلی‌نو این پول را از طریق صادرات کالا و خدمات باز پس خواهد داد. این یک "موقعیت برد" برای وام‌دهندگان و عرضه‌کنندگان آمریکایی است.

مسئله این است که با توسعه همکاری هسته‌ای، احتمالاً همکاریهای هند و آمریکا در سایر زمینه‌ها نیز توسعه پیدا خواهد کرد. به عنوان مثال صنعت هوا-فضا یکی از صنایعی است که استعداد توسعه دارد. هم‌اکنون هند از آمریکا تقاضا کرده است تعداد قابل توجهی هواپیمای بوئینگ به ارزش ۸ میلیارد دلار در اختیار دهلی‌نو قرار دهد. در یک تقاضای بزرگ دیگر، دهلی‌نو تمایل خود را برای خرید ۲۵ فروند هواپیمای جنگی اعلام کرده است.

در مجموع و در پرتو همکاریهای هسته‌ای هند و آمریکا روابط اقتصادی دو کشور می‌تواند در حوزه‌های گوناگون توسعه یابد. به عنوان مثال پس از آنکه

علائمی دال بر موافقت آمریکا و هند در زمینه همکاری هسته‌ای نمایان شد، کمپانیهای بزرگ آمریکا ابراز تمایل نمودند تا در صنایع ساخت تجهیزات با تکنولوژی برتر، حدود هفت میلیارد دلار با هندی‌ها سرمایه‌گذاری کنند.

۲- منافع سیاسی

برای آمریکا، هند به عنوان یک همکار استراتژیک که امنیت خطوط دریایی اقیانوس هند را تأمین می‌کند، بسیار ارزشمند است. علاوه بر این، مادامی‌که آمریکا در عراق و افغانستان حضور داشته باشد، افکار عمومی جهان آن را به عنوان یک کشور توسعه طلب تلقی خواهد کرد. یک قدرت منطقه‌ای مهم با دیدگاهی متفاوت از اروپا و آمریکا نیاز است تا ناراحتی کشورهای جهان را از آمریکا کاهش دهد. آمریکا می‌خواهد هند را وارد تعاملاتی کند که در حال حاضر و در آینده واشنگتن به آن نیاز دارد.

در همین حال آمریکا احساس می‌کند که بعد از پنجاه سال، اکنون هند را وارد رژیم‌های امنیتی بین‌المللی (NPT و آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای) کرده است. تلقی آمریکا این است که این عمل می‌تواند هند را از تکثیر سلاحهای هسته‌ای باز دارد و دهلی‌نو را وادار می‌کند به مقررات هسته‌ای بین‌المللی احترام بگذارد. در سطح محدودتر منطقه‌ای، آمریکا با توسعه مناسبات هسته‌ای با هند در حقیقت قصد دارد این کشور را به عنوان عامل توازن‌بخش در مقابل رشد و توسعه اقتصادی - نظامی چین قرار دهد. از دید آمریکا، هند با ویژگی‌های خاص خود این استعداد را دارد که در حد یک قدرت هم‌تراز یا به یک قدرت بزرگ آسیایی رقیب چین تبدیل شود.

تحلیلگران مؤسسه مطالعات بین‌المللی چین، این هدف آمریکا را مورد تأکید قرار داده‌اند و معتقدند آمریکا با توسعه همکاری هسته‌ای‌اش با هند، سعی دارد دهلی‌نو را به عنوان یک مؤلفه مهم در استراتژی آسیایی‌اش قلمداد کند. از دید

این تحلیلگران، واشنگتن در این زمینه تلاشهایی را برای ایجاد یک سیستم چهارجانبه شامل ژاپن، استرالیا و هند به همراه خود آمریکا صورت داده که می‌تواند یک محور قوی در حوزه آسیا پاسیفیک باشد. (www.Rajan,1751)

در مجموع و از نظر منافع سیاسی، توسعه روابط هسته‌ای آمریکا و هند به این معنا است که آمریکا متعهد می‌شود به ظهور هند به عنوان یک قدرت منطقه‌ای در آسیای جنوبی، یک قدرت بزرگ آسیایی و یک بازیگر کلیدی در جهان کمک کند و در مقابل دهلی‌نو در هر یک از این حوزه‌ها، منافع استراتژیک آمریکا را لحاظ کند و به ارتقای آن کمک نماید.

۳- منافع نظامی

آمریکا از رابطه با هند به عنوان یک قدرت نظامی مهم، می‌تواند بهره‌های زیادی ببرد. حدود ۴۰ درصد کالاهای تجاری و نفت جهان از خطوط دریایی اقیانوس هند عبور می‌کند. در حال حاضر این جریان فاقد سپر حفاظتی مؤثر می‌باشد. دزدان دریایی در دریای سرخ و تنگهٔ مالاکا، کالاهای تجاری را غارت می‌کنند و احتمال دارد حمله گروههای تروریستی به منافع آمریکا به قلمرو دریاها نیز کشیده شود.

در همین حال، همان‌گونه که گفته شد، هند می‌تواند عامل تعادل‌بخش نسبت به چین به عنوان یک قدرت نظامی بزرگ عمل کند. البته هندی‌ها رسماً اعلام کرده‌اند قصد مقابله و موازنه با چین را ندارند و اتحاد سازنده با چین سودمندتر از رقابت نظامی با آن است. علاوه بر این، پیش‌بینی می‌شود هند در حال تبدیل شدن به یک بازار سلاح برای آمریکا طی ۲۰۰ سال آینده باشد. این بدان معنی است که نوعی وابستگی نظامی بین هند و آمریکا به وجود می‌آید که بر اثر آن نه تنها به لحاظ ساختار نظامی به آمریکا وابسته خواهد شد بلکه رابطه نظامی این کشور با متحدین سابق خود به‌ویژه روسیه کم‌رنگ‌تر خواهد شد. (www.Suf,1740)

صرف‌نظر از این مسائل، آمریکا با همکاری نظامی هند قادر خواهد شد بر حوزه گسترده‌ای مسلط شود که توان تأثیرگذاری بر چهار حوزه مهم جنوب، جنوب‌شرقی، شرق و مرکز آسیا را خواهد داشت. اگر بپذیریم که هند مکمل زنجیره‌ای است که از اسرائیل شروع می‌شود و از طریق هند، ژاپن و استرالیا تکمیل می‌گردد، آنگاه ورود هند به این اتحادیه نظامی اعلام نشده، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

ب) منافع هندوستان

منافع هند در برقراری تعامل هسته‌ای با آمریکا بسیار زیاد است و حتی عده‌ای معتقدند این منافع در قیاس با آمریکا بسیار بیشتر است: (www.Kapila.1751)

۱- منافع اقتصادی

هند بویژه پس از شروع اصلاحات اقتصادی‌اش در سال ۱۹۹۰، نیاز فوری و ضروری شدیدی به سرمایه‌ای دارد که بتواند از طریق آن، پایه‌های تولید و سازندگی خود را بنا کند. فقط سه منبع مهم برای هند در این زمینه وجود دارد: آمریکا، اروپا و ژاپن. هند احساس می‌کند اگر بتواند رضایت آمریکا را جلب کند، دوقطب دیگر یعنی ژاپن و اروپا خود به خود به همکاری با هند تحریک می‌شوند. تاکنون آمریکا، اروپا و حتی ژاپن، چین را دارای زمینه‌های مساعدتری برای سرمایه‌گذاری یافته‌اند اما به نظر می‌رسد رشد اقتصادی هند (رشد ۸٪) هم‌اکنون این کشورها را ترغیب کرده است به هند توجه نمایند.

هند در مقایسه با چین استعداد کمتری برای مشکل‌آفرینی برای آمریکا، اروپا و ژاپن دارد. به همین دلیل باید انتظار داشت پهنه وسیع هند طی ۱۰ سال آینده به روی سرمایه‌گذاری خارجی در زمینه هواپیماسازی، کشتی‌سازی، تأسیسات تولید نیرو، صنایع فولاد، تأسیسات مربوط به استخراج معدن، حفاری زمین، داروسازی، نفت و پتروشیمی باز شود. هند طی ۱۰ سال آینده از نیروی کار ماهر

و با تجربه برخوردار خواهد شد تا فعالیت در حوزه‌های یاد شده را برعهده گیرد. این روند برای امریکا، اروپا و ژاپن بسیار سودمند خواهد بود، زیرا هزینه نیروی کار در هند یک سوم هزینه در آمریکا و اروپا بوده است. این زمینه مساعد، هند را نامزد ایده‌آلی برای انتقال تکنولوژی در زمینه‌های یاد شده می‌کند.

۲- منافع سیاسی

از سالهای ۷۸-۱۹۷۰، زمانی که آمریکا از پیمان منع گسترش سلاحهای هسته‌ای و مقررات الحاقی آن حمایت کرد، یکی از اهدافش این بود که هند را به دلیل آزمایش هسته سال ۱۹۷۴ تنبیه کند. امریکایی‌ها سال ۱۹۷۶ را مبنای رسمیت قدرت‌های هسته‌ای قرار دادند که بدین طریق روسیه، انگلیس، فرانسه، چین و امریکا را شامل می‌شد و هند از این فرصت محروم گردید. هند به مدت ۲۵ سال، محرومیت خود را به دلیل امضا نکردن پیمان منع گسترش سلاحهای هسته‌ای تحمل کرد و در این مدت از هر گونه استفاده غیرنظامی از مواد و تکنولوژی هسته‌ای منع شد. در سال ۱۹۹۸ هنگامی که هند دست به آزمایشهای جدیدی زد، باز هم مورد تحریم قرار گرفت.

بعد از ۵۰ سال، هند اکنون این فرصت را پیدا کرده است تا در پرتو توسعه مناسباتش با آمریکا که با امضای توافقنامه همکاری هسته‌ای به اوج خود رسیده است، بار دیگر در میدانهای جهانی حاضر شود. هند اکنون امیدوار است به عضویت دائم شورای امنیت درآید، عضو گروه ۸ کشور صنعتی شود، از منابع مالی جهانی پول دریافت کند، با چین به عنوان رقیب دیرینه با زبان دیگری سخن بگوید، در پروسه‌های صلح و امنیت بین‌المللی شرکت داشته باشد، پاکستان را در انزوا قرار دهد، یک قدرت منطقه‌ای در آسیا باشد و به عنوان یک بازیگر کلیدی در صحنه جهانی ایفای نقش کند.

با امضای توافقنامه همکاری هسته‌ای، در حقیقت آمریکا و جهان هند را به عنوان یک قدرت هسته‌ای غیرنظامی به رسمیت شناخت، انزوای بین‌المللی هند

که از سال ۱۹۹۸ تشدید شده بود، خاتمه یافت و هند اکنون در مسیری گام می‌نهد که در گذشته اجازه آن را نداشت.

۳- منافع نظامی

نیروی نظامی هند به شدت نیازمند تنوع بخشیدن به تجهیزات نظامی است. اگرچه روسیه در ۴۰ سال گذشته منبع مطمئنی برای هند بوده است، اما دهلی‌نو تمایل دارد این منابع را گسترش دهد. از دید دهلی‌نو تجهیزات روسی به رغم قابلیت‌های مناسبش، در مقایسه با تکنولوژی غربی کم‌اثرتر است. هند باید خود را به تکنولوژی نظامی روز دنیا مجهز کند تا با افزایش قدرت نظامی، قابلیت مانور خود را در عرصه سیاسی افزایش دهد. علاوه بر این، هند می‌خواهد در بازار جهانی اسلحه سهم داشته باشد و این منوط به دستیابی به تکنولوژی برتر نظامی است. حتی هند به شدت نیازمند آن است تا سیستم تسلیحاتی موجود خود را نوسازی کند و این نوسازی نیز در گرو همکاری نظامی کشورهای غربی است. مسأله‌ای که وجود دارد، این است که توافقنامه هسته‌ای غیرنظامی آمریکا و هند مخالفان جدی دارد و همین مخالفت‌ها، سایه تردید را بر آینده این همکاری گسترده است.

مخالفان رابطه هسته‌ای غیرنظامی هند و آمریکا

مخالفان همکاری هسته‌ای غیرنظامی هند و آمریکا به دو گروه تقسیم می‌شوند: مخالفان داخلی و مخالفان خارجی. این دو گروه به دلایل مختلف به همکاری هسته‌ای هند و آمریکا ایراد می‌گیرند و معتقدند این همکاری یا نباید صورت گیرد یا باید تعدیل شود.

الف) مخالفان داخلی در هند و آمریکا

مخالفان داخلی به دو گروه قابل تقسیم هستند. مخالفان داخلی هند و مخالفان داخلی آمریکا. مخالفان داخلی هند دربرگیرنده طیف وسیعی از افکار عمومی،

حکومت و جامعه هند، مقامات سازمان انرژی هسته‌ای هند و بعضی از دیپلمات‌های برجسته پیشین است. آقای واجپایی، نخست‌وزیر سابق، و دکتر کاکودکار رئیس سازمان انرژی اتمی هند دو چهره برجسته از مخالفین هستند. انتقاد مخالفان داخلی هند حول محورهای زیر دور می‌زند: (Ibid)

- هندی‌ها باید خود در مورد منافع استراتژیکشان تصمیم بگیرند.
- برنامه راکتور زاینده سریع (FBR) نمی‌تواند و نباید در لیست غیرنظامی قرار گیرد. این درخواست بر اساس دو واقعیت مطرح می‌شود: یکی نیاز بلندمدت هند به انرژی و دیگر امنیت ملی هند که وابسته به بازدارنده‌های هسته‌ای است.
- با توجه به موارد بالا و براساس توافقی که در ۱۸ جولای ۲۰۰۵ بین آمریکا و هند صورت گرفته، موارد زیر از لیست غیرنظامی حذف شدند: برنامه FBR، تمام تأسیسات BARC، تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم در مایسور، برخی از راکتورهای قدرتی ساخت داخل؛ یعنی آنهایی که برای سوخت تأسیسات FBR ضروری هستند.
- آنچه در جریان سفر بوش به هند در مارس ۲۰۰۶ اتفاق افتاد، مغایر توافقنامه ۱۸ جولای ۲۰۰۵ می‌باشد. امریکایی‌ها طرح تفکیک تأسیسات هسته‌ای نظامی و غیرنظامی را بر هندوستان تحمیل کردند و این عمل استقلال هند را در تصمیم‌گیری پیرامون منافع استراتژیک مخدوش ساخت و واقعیت‌های استراتژیک هند را نادیده گرفت.
- هدف توافقنامه ۱۸ جولای آن بود که به هند کمک شود تا برنامه‌های هسته‌ای غیرنظامی‌اش را توسعه دهد، اما اصرار آمریکا بر گنجاندن شدن راکتور FBR در فهرست تأسیسات غیرنظامی، نشان می‌دهد که آمریکا سعی دارد برنامه‌های هسته‌ای استراتژیک هند را محدود کند.
- آمریکا نه تنها محدودیت‌های فوق را بر هند اعمال کرده بلکه در پرتو این

- توافقنامه از هند می‌خواهد تا حساسیت‌های استراتژیک خود را نادیده بگیرد. به عنوان مثال، آنها هند را وادار کردند تا به قطعنامه شورای حکام علیه ایران رأی مثبت دهند. این بدان معنی است که یکی از شروط آمریکا برای همکاری هسته‌ای با هند، الحاق هند به بلوک آمریکا و غرب است که البته این مغایر سیاستهای کلان هند در اتخاذ یک سیاست خارجی مستقل است.
- به موازات اقدام بالا، در اوایل مارس ۲۰۰۵ آمریکا بر هند فشار آورد تا در پروژه خط لوله گاز ایران به جنوب آسیا تجدیدنظر کند. دولت هند به این درخواست چراغ سبز نشان داده است و این در حالی است که واقعاً معلوم نیست سیاست آمریکا در تأمین انرژی هند تا چه حد عملی گردد.
 - صرف‌نظر از این موارد فنی، نخست‌وزیر هند، آقای مانموهان سینگ و تیم دفتر نخست‌وزیری سعی کردند مسائل مربوط به رابطه‌ای حساس و استراتژیک مثل رابطه هسته‌ای هند و آمریکا را در حد امکان پنهان نگه دارند. آنها همچنین به نظر و دیدگاه مخالفین به‌ویژه محافل استراتژیک هند و نیز دانشمندان هسته‌ای هند اعتنایی نکردند.
 - حزب کنگره به‌گونه‌ای عمل کرده است که گویی برقراری روابط نزدیک بین هند و آمریکا، محصول سیاست خارجی حکومت حزب کنگره است. این در حالی است که پایه این روابط مدتها پیش و در دوره حکومت حزب "بی‌جی‌پی" بی‌ریزی شد. حتی بحث تفکیک تأسیسات هسته‌ای هند در سال ۲۰۰۲ بین آمریکا و هند (تحت رهبری بی‌جی‌پی) مطرح شد اما به دلیل اینکه آمریکا سعی داشت دیدگاههای خود را بر هند تحمیل کند، (مثل آنچه اکنون اتفاق افتاده است) حزب بی‌جی‌پی از انجام آن اجتناب کرد.
 - مخالفین داخلی هند علاوه بر نقطه‌نظرهای فنی، سه توصیه کلی را در خصوص انتقادهای خود مطرح کرده‌اند: اول اینکه دولت حزب کنگره، باید تصویر کاملی از اقدامات مربوط به همکاری هسته‌ای هند و آمریکا را

به افکار عمومی هند ارائه دهد؛ دوم اینکه از اطلاعات گزینش شده و مبهم که اغلب از طریق رسانه‌های آمریکایی و بعضی از رسانه‌های هندی متعلق به حزب کنگره منعکس می‌شود، اجتناب کند و اطلاع‌رسانی در این زمینه را با شفافیت دنبال نماید؛ سوم اینکه به‌خاطر جلب نظر کنگره آمریکا مبادرت به دادن امتیازات بزرگ ننماید و بدین طریق استقلال استراتژیک و مسائل مهم سیاست خارجی هند را در مخاطره قرار ندهد.

از دید نخست‌وزیر و دفتر نخست‌وزیری هند که همگی از حزب حاکم کنگره ملی هند هستند، انتقادات بالا مبالغه‌آمیز است. دفتر نخست‌وزیری هند در روزنامه اکونومیک تایمز مورخه ۸ فوریه ۲۰۰۶، بیانیه‌ای صادر کرد که حاوی پاسخ به این انتقادات بود. در این بیانیه آمده است: نظریه افرادی مثل آقای کاکودکار، رئیس کمیته انرژی اتمی هند، فقط یک نظر است. نقطه‌نظرها و دیدگاه‌های بسیار دیگری نیز وجود دارد که اغلب با دیدگاه آقای کاکودکار مغایرت دارد و دولت ناچار است آنها را نیز در یک چارچوب همه‌جانبه مورد توجه قرار دهد. از طرف دیگر، دیدگاه رئیس کمیته انرژی اتمی هند یک دیدگاه اداری (وزارتخانه‌ای) است، حال آنکه سیاست دولت بر یک پایه استراتژیک استوار است که از طریق گروه‌های مشورتی استراتژیک مثل شورای امنیت ملی، کابینه و سایر مراکز مطالعاتی سیاسی، استراتژیک و امنیتی طراحی شده است. در نهایت نهادهای مختلفی در دستگاه تصمیم‌گیری هند وجود دارد که کمیته انرژی هسته‌ای تحت ریاست آقای کاکودکار فقط یکی از آنها است. (www.Kapila,1760)

در مجموع، در حالی که موافقان توافقنامه همکاری هسته‌ای غیرنظامی هند و آمریکا در داخل هند، این توافقنامه را یک توافقنامه استراتژیک و در راستای منافع استراتژیک هند می‌دانند، مخالفین آن را یک خیانت استراتژیک قلمداد می‌کنند که باید اصلاح شود. نکته مهم این است که به‌رغم بعضی از محاسن و معایبی که ممکن است این توافقنامه برای هندوستان داشته باشد، هریک از جناح‌های سیاسی

در هند، سعی دارند از آن به عنوان یک برگ بزرگ در انتخابات آینده هند و جهت‌دهی افکار عمومی هند به سود خود استفاده کنند. در واقع شاید بخشی از نگرانی‌های حزب بی‌جی‌پی آن باشد که دوست داشت این تحول استراتژیک در دوره زمامداری این حزب اتفاق بیفتد و نه در دوره زمامداری حزب کنگره.

مخالفان رابطه هسته‌ای هند و آمریکا در آمریکا نیز زیادند. یکی از سرسخت‌ترین مخالفان همکاری هسته‌ای آمریکا و هند، کنگره آمریکا است. کنگره آمریکا هم در درون خود و هم از ناحیه گروه‌های ذی‌نفوذ تحت فشار است تا از تأیید همکاری هسته‌ای هند و آمریکا اجتناب کند. آنچه مایه اختلاف است به شرح ذیل می‌باشد: (Ibid)

- همکاری هسته‌ای هند و آمریکا مغایر با قوانین داخلی آمریکا است. این قوانین عبارتند از قانون منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای آمریکا (۱۹۷۸) و متمم‌های قانون انرژی اتمی آمریکا (۱۹۵۴) که مؤکداً آمریکا را از همکاری هسته‌ای صلح‌آمیز با کشورهایی که از امضاکنندگان معاهده منع تکثیر سلاح هسته‌ای (NPT) نیستند و یا تمام تأسیسات هسته‌ای شان را تحت تدابیر همه‌جانبه امنیتی قرار نداده‌اند، منع می‌کند. این اسناد درست در سال‌هایی تنظیم شد که هند دست به آزمایش اتمی (۱۹۷۴) زده بود. بنابراین نسبت دادن این قوانین به عدم همکاری هسته‌ای با هند، اکنون کار دولت بوش را برای همکاری هسته‌ای با هند مشکل کرده است.

در مقابل این ادعا، موافقان می‌گویند اکنون و بر اساس توافقنامه ۱۸ جولای ۲۰۰۵، هند پذیرفته است هم به عضویت معاهده (NPT) درآید و هم نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را بر تأسیسات هسته‌ای خود بپذیرد. اما این استدلال برای مخالفان قانع‌کننده نیست. زیرا هند هنوز مسئله عضویت در (NPT) را به‌صراحت نپذیرفته و در عین حال، فقط بخشی از تأسیسات هسته‌ای خود را تحت نظارت آژانس قرار داده، که البته در

- خصوص این مسئله نیز هنوز مشاجرات و اختلاف نظرهایی وجود دارد.
- گروههای "اعمال نفوذ ضد هسته‌ای" نیز با این رابطه مخالفند. در ادبیات هسته‌ای اصطلاحی وجود دارد به نام "مشکل ۳". منظور از این مشکل سه کشور هند، پاکستان و اسرائیل هستند که پیمان منع تکثیر را امضا نکرده‌اند. گروه اعمال نفوذ ضد هسته‌ای با هرگونه همکاری هسته‌ای با این سه کشور مخالفند. افرادی نظیر استروب تالبوت و جورج پرکوویچ از این دسته‌اند. آنها در ساختار سیاسی آمریکا نیز حضور دارند. از دید تحلیلگرانی همچون تالبوت به هیچ‌وجه نباید به هندوستان اجازه داده شود که به تکنولوژی هسته‌ای بیشتر دست یابد. کسانی مثل پرکوویچ نیز معتقدند فقط در صورتی که هند به پیمان منع آزمایش‌های هسته‌ای پیوندد و تولید مواد شکافت‌پذیر را متوقف کند، می‌تواند از مزایای همکاری هسته‌ای برخوردار گردد.
- تفکیک برنامه‌های هسته‌ای نظامی و غیرنظامی هند دشوار است. در هند، برنامه‌ها و تأسیسات نظامی و غیرنظامی هسته‌ای کاملاً از همدیگر مجزا نیستند. برخلاف دیگر کشورهای هسته‌ای، تأسیسات هسته‌ای هند اغلب کاربرد دوگانه دارند. به عنوان مثال راکتور ۴۰ مگاواتی سیروس که از کانادا وارد شده به تولید پلوتونیم اختصاص دارد. محصولات همین راکتور بود که به آزمایش اتمی هند در سال ۱۹۷۴ انجامید. در عین حال این راکتور به تولید ایزوتوپ‌های رادیواکتیوی برای مصارف کشاورزی، پزشکی و دیگر مصارف غیرنظامی نیز مبادرت می‌ورزد. مشکل مشابهی درخصوص راکتور دارای قدرت باروری بالا نیز وجود دارد. در اولین مرحله، محصول این راکتور در تولید سوخت نیروگاهها و تولید انرژی استفاده می‌شود، در مرحله دوم فرآورده‌های جنبی آن برای تولید اورانیوم ۲۳۳ مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین، این نگرانی به‌طور جدی برای مخالفان وجود دارد که چگونه می‌شود آمریکا با کشوری رابطه هسته‌ای برقرار کند که تأسیسات

هسته‌ای‌ش دو منظوره‌اند. بنابراین ممکن است در مسیر نظامی مورد استفاده قرار گیرد. (www.Kaplia, 1766)

ب) مخالفان خارجی همکاری هسته‌ای هند و آمریکا

مخالفان خارجی به سه گروه تقسیم می‌شوند. کشورهایی نظیر چین و پاکستان که همکاری هسته‌ای هند و آمریکا را در تضاد با منافع خود می‌بینند، از طریق لابی خود در کنگره سعی کرده‌اند مانع از تحقق این رابطه شوند. چین با استناد به پیمان منع تکثیر و پاکستان با استناد به ضرورت رابطه برابر آمریکا با هند و پاکستان، در موضع مخالفت با این همکاری برآمده‌اند. علاوه بر این دو کشور، کشورهایی که عضو گروه عرضه‌کننده تکنولوژی هسته‌ای هستند (روسیه، انگلیس، کانادا و فرانسه) نیز با این همکاری مخالفت دارند؛ هر چند که این مخالفت‌ها جنبه سیاسی دارد. از نظر این کشورها همکاری هند و آمریکا در صورتی جایز است که قوانین و مقررات هسته‌ای جهانی را دهلی‌نو بپذیرد. موضع این کشورها از آن نظر مهم است که آمریکا تلاش می‌کند این کشورها را وادار کند با ورود به همکاری هسته‌ای با هند، به نیازهای انرژی هسته‌ای هند پاسخ دهند.

علاوه بر این کشورها، سازمان بین‌المللی انرژی هسته‌ای نیز با این رابطه مخالف است. مخالفت این سازمان بدان دلیل است که پیمان (NPT) تنها کشورهایی را ذی‌حق در استفاده از تکنولوژی هسته‌ای می‌داند که این پیمان و متعلقات آن را پذیرفته باشند. از این رو هندوستان به دلیل عدم امضای پیمان (NPT) از حقوقی که در این پیمان تعبیه شده است، محروم می‌گردد. نگرانی آژانس، بویژه از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که ممکن است مورد هندوستان باعث شود سایر کشورها به خروج یا عدم عضویت در (NPT) تشویق شوند به این امید که خارج از (NPT) نیز می‌توان از ظرفیت هسته‌ای دیگر کشورها برای توسعه هسته‌ای خود بهره برد. (ibid)

دوراهی سرنوشت‌ساز

پس از امضای توافقنامه ۱۸ جولای ۲۰۰۵ و توافقنامه‌های الحاقی که در ماه مارس ۲۰۰۶ و در جریان سفر بوش به هند بدان ضمیمه شد، در نهایت این کنگره آمریکا خواهد بود که باید بر این توافقنامه مهر تأیید بزند. البته این مهم باید در پارلمان هند نیز به تصویب برسد که ظاهراً به‌رغم بعضی مشکلات، تصور عمومی بر آن است که پارلمان هند به آن رأی خواهد داد. (www.Indo.1766)

کنگره آمریکا علاوه بر نقطه‌نظرهای سازمانی و نهادی خود با دو دسته گروه فشار در تأیید یا عدم تأیید همکاری هسته‌ای هند و آمریکا مواجه است. لابی‌های مخالف همکاری هسته‌ای هند و آمریکا عبارتند از: فعالان منع تکثیر هسته‌ای مثل دیوید آلبرایت، دان بورتون، (نماینده جمهوری خواه از ایندیانا، دان روهر باچار) لابی‌های پاکستانی، لابی‌های چینی و بعضی از اعضای کمیته روابط خارجی آمریکا.

لابی‌های طرفدار همکاری هسته‌ای هند و آمریکا نیز عبارتند از: آمریکایی‌های هندی‌تبار (۱/۶ میلیون نفر)، نمایندگان هندی‌تبار کنگره از جمله گرمی آکرمن، فرانک پالون و جان کورنین، سازمانهای آمریکایی هندی‌تبار مثل جامعه اقدام سیاسی هند و آمریکا (Usinpac)، IAFPE، IACPA، کمیته روابط عمومی آمریکا - اسرائیل (AIPAC) که به دلیل رأی منفی هند به ایران در شورای حکام آژانس نظر مساعدی به همکاری هسته‌ای هند و آمریکا دارد، شورای تجار هند و آمریکا (VSIBC) که سعی دارند از طریق "باتون بوگس" یکی از لابی‌های فعال در واشنگتن و "رابرت بلک‌ویل" سفیر پیشین آمریکا در هند اعمال نفوذ کنند، شورای دولتی هند و آمریکا، گروههای لابی قومی (مثل یهودیان و سیاه‌پوستان)، گروههای تجاری ذی‌نفوذ در سیاستگذاری خارجی آمریکا. (www.Kapila,1766)

دیدگاه لابی‌های مخالف و موافق به نوعی در مباحث قبلی توضیح داده شد. در این قسمت بر دیدگاه لابی‌های موافق همکاری هسته‌ای هند و آمریکا تمرکز می‌کنیم، جوهره دیدگاه این لابی به شرح زیر است:

۱. آمریکا تنها با وجود یک همکاری استراتژیک با هند می‌تواند موقعیت و جایگاه خود را در آسیا تثبیت کند. از دید این لابی‌ها، آسیا در قرن ۲۱ تصویر تهدیدآمیز و رعب‌انگیزی برای منافع و امنیت ملی آمریکا ترسیم می‌کند. در مقابل این تهدیدات و در پهنه وسیع آسیا از دریای مدیترانه تا اقیانوس آرام، تنها چهار متحد مطمئن برای آمریکا وجود دارد که عبارتند از: اسرائیل، هند، ژاپن و استرالیا. از دید این لابی‌ها در میان این چهار کشور، هندوستان به دلیل موقعیت جغرافیایی و تعداد نفوس یک قدرت مهم به حساب می‌آید. به عبارت دیگر در حالی که ژاپن و اسرائیل در حاشیه آسیا قرار دارند و استرالیا نیز بیرون از این قاره است، موقعیت استراتژیک هند هم به دلیل وسعت سرزمینی و هم به دلیل تسلطش بر اقیانوس هند، نقش مرکزی و استراتژیکی در مسائل امنیتی آسیا دارد. علاوه بر این، هند نه تنها در آسیا بلکه در جهان یک محور کلیدی محسوب می‌شود و در صورت پیوند استراتژیک با آمریکا، می‌تواند نقش مهمی در تأمین منافع واشنگتن بازی کند.

۲. اهمیت رابطه هسته‌ای غیرنظامی آمریکا و هند سیاسی - استراتژیک است نه تاکتیکی و نظری. از دید لابی‌های طرفدار همکاری هسته‌ای غیرنظامی هند و آمریکا، از نظر سیاسی، این رابطه به معنی تأکید دوباره بر این واقعیت است که آمریکا و هند اعتمادی دوجانبه به یکدیگر کرده‌اند تا در پرتو آن، نوعی همکاری استراتژیک به قصد حمایت و دفاع از منافع امنیتی منطقه‌ای و استراتژیکشان به عمل آورند. از نظر استراتژیکی، تمایل بوش به همکاری هسته‌ای با هند، یک اقدام آگاهانه و نوعی پیش‌بینی از وضعیت آینده هند در استراتژی آمریکا محسوب می‌شود. از این منظر، اگر قرار است هند شریک ارزشمند استراتژیکی برای آمریکا باشد، پس باید ویژگی قدرت‌های بالقوه آن به حداکثر برسد. بنابراین کمک به برنامه‌های

انرژی هسته‌ای غیرنظامی هند یک مؤلفه کلیدی در رشد اقتصادی و امنیت انرژی هند محسوب می‌شود. اینها کمک می‌کند تا هند به عنوان یک قدرت منطقه‌ای و جهانی با کارکرد کمک به منافع آمریکا تبدیل شود. به عبارت دیگر، هند به عنوان شریک استراتژیک آمریکا و به عنوان یک قدرت در حال ظهور جهانی، نمی‌تواند از نظر استراتژیک نیاز به کمک‌های هسته‌ای استراتژیک نداشته باشد.

۳. با عنایت به موارد بالا، نگرشهای کنگره آمریکا نسبت به هند باید به کلی تغییر کند. از دید این لابی‌ها، کنگره آمریکا هنوز هند را بر اساس شرایط دوران جنگ سرد ارزیابی می‌کند. این در حالی است که علاوه بر اینکه هند امروز، هند دوران جنگ سرد نیست، حتی در دوره جنگ سرد، هند منافع آمریکا را تهدید نکرده و هیچ‌گونه تقابلی با آمریکا نداشته است. در این خصوص و برای توجیه ادعای خود، این لابی‌ها سه سؤال اصلی را مطرح می‌کنند: آیا هند مثل چین (در جنگ کره و ویتنام) تا به حال در تقابل نظامی با آمریکا قرار گرفته است؟ آیا هند مانند پاکستان به توسعه سلاحهای کشتارجمعی مبادرت ورزیده و در حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نقش داشته است؟ آیا کنگره آمریکا جداً معتقد است با برقراری رابطه هسته‌ای غیرنظامی بین هند و آمریکا، هند به یک تهدید بزرگ برای آمریکا تبدیل می‌شود؟ از دید این لابی‌ها، هند یک قدرت منطقه‌ای مسلم و یک قدرت جهانی در حال ظهور است. از نظر سیاسی یک کشور با ثبات و بزرگترین دموکراسی جهان است، و از نظر اقتصادی نیز قدرتی احیا شده و رو به رشد است. با داشتن این صلاحیت‌ها، هند هیچ‌گاه با آمریکا رقابت نخواهد داشت بلکه برعکس، می‌تواند یک دوست خوب برای آمریکا باشد.

۴. اگر کنگره آمریکا به رابطه هسته‌ای هند و آمریکا رأی منفی دهد، همکاری

استراتژیک هند و آمریکا به هم می‌خورد. به عبارت دیگر، هر گونه رابطه استراتژیک بین هند و آمریکا منوط به وجود رابطه هسته‌ای است. در غیر این صورت، ضرورتی به رابطه استراتژیک وجود ندارد. هند و آمریکا بعد از نیم قرن، اکنون همدیگر را پیدا کرده‌اند. قفل جدایی و بیگانگی گذشته فقط با کلید همکاری هسته‌ای باز می‌شود. آمریکا و هند، دو دولت بزرگ در قلمرو دموکراسی‌های جهان، حدود شش دهه از همدیگر جدا بوده‌اند و اکنون که دولت هند و آمریکا حرکتی رو به جلو را آغاز کرده‌اند تا روابط دو کشور را توسعه دهند، کنگره آمریکا نباید مانعی بر سر این راه به وجود آورد.

۵. آینده هند یا امنیت ملی این کشور در خطر نیست. آنچه در خطر است منافع و امنیت ملی آمریکا در آسیا است. آیا آمریکا می‌تواند در مواجهه با تمام گزینه‌هایی که منافع او را تهدید می‌کند، ثبات خود را در آسیا حفظ کند؟ هند بهترین گزینه امنیتی برای آمریکا محیط در حال پیدایش استراتژیک آسیا در قرن ۲۱ است. آنچه مسلم است اگر رابطه هسته‌ای هند و آمریکا قطع شود، هند به رغم تمام دشواریها به مسیر درست خود جهت تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ جهانی آن هم در پرتو تأسیسات هسته‌ای استراتژیک ادامه خواهد داد؛ اما به نظر می‌رسد واشنگتن دیگر نتواند متحد مطمئنی مثل هند در آسیا دست و پا کند. (Ibid)

نتیجه‌گیری

سیاست خارجی هند دستخوش دگرگونیهای عمیق شده است. هند قصد دارد با دنیای غرب وارد تعامل شود تا در پرتو این تعامل، خود را به عنوان یک قدرت منطقه‌ای برتر و یک بازیگر مهم در عرصه بین‌المللی معرفی نماید. از نظر دهلی‌نو ورود به عرصه همکاری با آمریکا، کلید موفقیت هند برای نقش‌آفرینی در عرصه جهانی است.

همکاری هسته‌ای هند و آمریکا یک آزمون تاریخی برای آینده‌ای است که هند و آمریکا چشم به آن دوخته‌اند. این همکاری، روابط دو کشور را تا حد استراتژیک ارتقا می‌دهد و از آن پس منافع آمریکا و هند را در بسیاری از مسائل جهانی به هم پیوند می‌زند. به احتمال زیاد اگر این همکاری جنبه اجرایی موفق به خود گیرد، بر روابط هند با جمهوری اسلامی ایران تأثیر تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت.

هرچند دهلی‌نو سعی دارد روابط خود با ایران و آمریکا را دو مقوله جداگانه تلقی کند اما واقعیت این است که آمریکا از هند می‌خواهد بین واشنگتن و تهران یکی را انتخاب کند. اگر هند مجبور به چنین انتخابی شود، به احتمال زیاد واشنگتن را بر تهران ترجیح خواهد داد. اما این به معنی نفی کامل رابطه ایران و هند نخواهد بود. واقعیت‌های استراتژیک، هند را وادار می‌کند با ایران تعامل سازنده داشته باشد؛ حتی اگر تحت فشار واشنگتن ناچار شود در بعضی حوزه‌ها، کمتر با ایران وارد تعامل شود.

اگر هند قصد دارد در پرتو جلب همکاری آمریکا به قدرتی بزرگ تبدیل شود، بزرگ شدن هند بدان معنی است که منافع آن نیز توسعه خواهد یافت و تأمین این منافع نیازمند همکاری با ایران است. به عبارت دیگر هر چه هند بزرگتر شود و منافع و نقش آن افزایش یابد، نیازمند تعامل بیشتر و سودمندتر با قدرت‌های مهمی همچون ایران است.

منابع فارسی

- ۱- برای آگاهی بیشتر درباره جریانهای حاکم بر سیاست خارجی هند رجوع کنید به: صدیقی، مرادعلی؛ *هند: تحول در رویکردهای استراتژیک*، نامه دفاع، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، شماره دوم، سال ۱۳۸۳.
- ۲- شفیع، نودر؛ "هند در برابر ایران در شورای حکام: توصیه‌هایی برای دیپلماسی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران"، *نمای راهبردی*، سال سوم، شماره پنجم، مهرماه ۱۳۸۴، صص ۸-۲.

English Reference

1. Arundhati Ghose, Prospects for India-US Cooperation in Civilian Nuclear Energy (www.India-defence.com/Reports/1131).
2. P. R. Chari, Implementing the India-US Nuclear Deal: A Pyrrhic Struggle (www.India-defence.Com/Report/1130).
3. Arundhati Ghose, (Ibid).
4. Hari Suf, India-US Nuclear Deal-The Benefits, (www.saag.org/paper1740.html).
5. D.S. Rajan, China: Future Direction of us Relation with India and Pakistan (www.saag.org/papers18/paper1751.html).
6. Hari Suf, (Ibid).
7. Subhash Kapila, USA-India Nuclear Deal Generates Great Indian Divide (www.saag.org/papers18/paper1701.html).
8. Subhash Kapila, United State. Congress at Critical Cross-Roads with India: A Plain-Speaking Analysis (www.saag.org/papers18/paper1766.html).
9. Indo-VS Nuclear Deal: Intense Lobbying, NewDelhi Review (<http://www.Newdelhireview.com/nod/24>).



پروشکاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی